



اعترافات قاتلی که در فرار به اروپا ناکام ماند

جنایت بنگی!

سید خلیل سجاد پور - جوان ۲۱ ساله تبعه خارجی که مرد خوار بار فروش را در منطقه گلشهر مشهد به قتل رسانده بود در اولین اعترافات خود مدعی شد به خاطر خرید «بنگ» مرتکب جنایت شده است.

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این جنایت وحشتناک چهاردهم شهریور در خیابان مهرورز منطقه گلشهر مشهد هنگامی رخ داد که شب هنگام جوانی از خودروی تیبیا پیاده شد و به داخل خوار بار فروشی رفت. در همین حال نیز جوان دیگری هم پشت سر وی قدم به درون فروشگاه گذاشت اما طولی نکشید که جوان تیبیا سوار با کاردی خون آلود از خوار بار فروشی بیرون آمد و در حالی به طرف خودروی تیبیا رفت که مشتری دیگر فروشگاه هم از ترس پا به فرار گذاشت.

در همین حال اهالی محل و کسبه خیابان



سجاد پور - دزد سابقه داری که از ۴ سال قبل در سایت واسطه گری «دیوار» لانه کرده و قطعات سرقتی خودروها را به فروش می رساند، هنگامی در عملیات ضربتی پلیس مشهد دستگیر شد که ۱۰ دستگاه کامپیوتر (ای سی یو) سرقتی خودرو را به همراه داشت. به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، ماموران تجسس کلانتری شفاي مشهد که با دستورهای محرمانه ای از سوی سرهنگ احمد نگهبان (رئیس پلیس مشهد) رصد های ریزبینانه فضای مجازی برای ردیابی کالاها و اموال سرقتی را ادامه می دادند، به سر نخ هایی از فروش کامپیوتر های



به رذنی ضارب جوان پرداختند که بررسی ها نشان می داد شبانه به طرف تهران حرکت کرده است. تجزیه و تحلیل های کارشناسی جرم نیز حکایت از آن داشت که متهم به قتل

قصد خروج از کشور را دارد. به همین دلیل مشخصات وی در حالی به کلیه مراکز نظامی و انتظامی اعلام شد که وی زیر چتر اطلاعاتی کار آگاهان قرار گرفته بود. چند روز بعد با هماهنگی های قضایی و انتظامی تحقیقات پلیس به نتیجه رسید و ضارب هنگام خروج از کشور در مرزهای غربی دستگیر و به مشهد منتقل شد. «محمد رضا-ه» که در حضور قاضی دکتر صفری مورد بازجویی های فنی قرار گرفته بود، ضمن اعتراف صریح به ارتکاب جنایت مدعی شد: به همراه یکی از دوستانم که علیرضا نام دارد و دوست دختر وی، مشروبات الکلی مصرف کردیم و سپس سوار بر تیبیا به طرف خیابان مهرورز رفتیم تا مقداری بنگ (نوعی مواد مخدر) بخریم. من از خودرو پیاده شدم و زمانی که قدم در خوار بار فروشی گذاشتم فرد دیگری هم معروف به عباس قناری که او را از قبل می شناختم، به داخل فروشگاه آمد. در این هنگام من یک قطعه چک پول ۵۰ هزار تومانی به «سجاد» دادم که به من به مقداری «بنگ» بدهد ولی او سرگرم گفت و گو با عباس قناری شد و موضوع را فراموش کرد. من هم که دوستانم داخل خودرو منتظرم بودند دوباره به سجاد یادآوری کردم که بنگ مرابدهد. اما او ادعا کرد «بنگ» را به من تحویل

داده است. همین موضوع به مشاجره بین ما انجامید که ناگهان به من توهین کرد. در این هنگام بود که از شدت عصبانیت کاردار از زیر پیراهنم بیرون کشیدم و ضربه ای به او زدم ولی او جا خالی داد و من ضربه دوم را بین شانه و گردنش زدم که خون فواره زد و من از ترس فرار کردم. همان شب بعد از پیاده کردن آن دختر جوان و دوستم، با یک خودروی سواری دیگر به تهران رفتم اما قصد داشتم از طریق ترکیه به کشورهای اروپایی بروم که در مرزهای غربی دستگیر شدم...

گزارش روزنامه خراسان حاکی است در حالی که متهم به شدت ابراز پشیمانی می کرد در بیان جزئیات دیگری از این جنایت هولناک به سروان آرمن منفرد (افسر پرونده) گفت: من کارگر گچ کار هستم که روزی ۳۰۰ هزار تومان درآمد دارم اما نمی دانم چرا در یک لحظه خشم وجودم را فرا گرفت و چنین جنایتی را مرتکب شدم... این جوان ۲۱ ساله تبعه خارجی که مدعی بود در ایران متولد شده و مجرد است با دستور قاضی ویژه قتل عمد در اختیار کارآگاهان اداره جایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت تا زوایا و ابعاد دیگر این ماجرای تکان دهنده و همچنین ادعاهای وی مورد کنکاش های دقیق قرار گیرد.

تخریب لانه ۴ ساله یک دزد در «دیوار»

محل قرار آن ها را شناسایی کردند و بلافاصله عازم بولوار هدایت شدند. گزارش روزنامه خراسان حاکی است حدود ساعت ۱۵ بود که یک دستگاه خودروی پژو ۴۰۵ در محل قرار تحویل کامپیوتر سرقتی توقف کرد و خریدار نیز به سوی راننده خودرو رفت. در این هنگام بود که عملیات دستگیری با محاصره راننده پژو به نتیجه رسید و نیروهای تجسس کلانتری شفا در بازرسی از داخل خودروی پژو تعداد ۱۰ دستگاه کامپیوتر (ای سی یو) سرقتی را به همراه مقادیری مواد مخدر سنتی و صنعتی کشف کردند. با انتقال متهم به کلانتری مشخص شد که وی از سارقان سابقه دار

گوشی قاپی دختر آبی پوش برای عشق خیابانی!



با صدور قرار میلیاردی از سوی مقام قضایی روانه زندان شدند که تحقیقات پلیس برای کشف سرقت های احتمالی دیگر آنان همچنان ادامه دارد.

اختلاف ملکی، به قتل همسر منجر شد

به دلیل اختلافات ملکی و خانوادگی اعتراف کرد و گفت: حدودا ۳۰ سال قبل با یکدیگر آشنا شدیم و از دواج کردیم. همسرم سر هر موضوعی در زندگی مشترک بهانه های مختلف می گرفت که بسیار از این موضوع خسته شده بودم. البته ناگفته نماند چند سال قبل با کلی زحمت، خانه ای در محله اتابک خریدیم و به نام همسرم زدم که این موضوع اختلافات ما را شدیدتر کرد. رئیس پلیس آگاهی پایتخت اظهار کرد: متهم در ادامه اعترافات خود گفت که پس از افزایش اختلافات، می خواستیم طلاق بگیریم که من در این میان قصد داشتم سه دنگ از خانه را به نام ۲ فرزندم یا خودم بزنم که هر بار سر این موضوع با یکدیگر بحث های شدیدی می کردیم. در حیاط مجتمع مسکونی بودیم که ناگهان سر همین موضوع با یکدیگر بحث کردیم. در این میان کنترل خود را از دست دادم و با چاقویک ضربه به قفسه سینه او زدم؛ ناگهان همسرم که جلوی چشمان ۲ فرزندم چاقو خورده بود، روی زمین افتاد و جان خود را از دست داد. براساس گزارش پایگاه خبری پلیس، ولی پور گودرزی در پایان خاطر نشان کرد: متهم برای روشن شدن زوایای پنهان پرورنده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفته است و تحقیقات همچنان ادامه دارد.

رئیس پلیس آگاهی پایتخت از دستگیری مرد جوانی خبر داد که همسرش را در محله اتابک به قتل رسانده بود.

به گزارش ایلنا، سردار کارآگاه علی ولی پور گودرزی در تشریح جزئیات این خبر گفت: دوشنبه بیستم شهریور ماه ۱۴۰۲، دختر جوانی با مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و با صدایی لرزان به اپراتور گفت، پدرم با چاقویی که در دست داشت، ضربه ای مرگبار در حیاط مجتمع مسکونی به قفسه سینه مادر م وارد کرده است؛ لطفا با اعزام ماموران به ما کمک کنید. وی افزود: با اعلام این خبر، بلافاصله تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی، راهی خانه مدنظر در محله اتابک شدند و جسد زن حدودا ۵۰ ساله ای را مشاهده کردند که بر اثر ضربه چاقو به قتل رسیده بود. رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ ادامه داد: تحقیقات ابتدایی حکایت از آن داشت که این زن با همسرش به دلیل اختلافات ملکی در حیاط خانه جلوی چشمان ۲ فرزندشان در گیر شده و در جریان این نزاع، هدف ضربه مرگبار چاقو قرار گرفته است. همچنین قاتل که در صحنه جنایت حضور داشت، توسط کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی دستگیر شد. این مقام ارشد انتظامی خاطر نشان کرد: متهم در همان بازجویی های اولیه به جرم خود مبنی بر به قتل رساندن همسرش با ضربه چاقو در حیاط خانه

دستگیری قاتل فراری

تو کلی - قاتل فراری که به اتهام ارتکاب جنایت مسلحانه تحت تعقیب بود، در کمتر از ۲ ماه به چنگ پلیس افتاد.

به گزارش خراسان، دادستان عمومی و انقلاب رودبار جنوب با بیان این که رسیدگی به پرونده های خشن در اولویت کار دستگاه قضایی قرار دارد، اظهار کرد: اجازه نخواهیم داد عده ای نظم و امنیت جامعه را به مخاطره بیندازند. قاضی حامد محمدی گفت: قاتل که در مردادماه امسال پس از ارتکاب قتل از محل جنایت گریخته بود، با پیگیری ها و اقدامات دستگاه های قضایی، انتظامی و امنیتی شناسایی شد و به دام افتاد.

این مسئول قضایی ادامه داد: پس از دریافت گزارشی مبنی بر تیراندازی منجر به مرگ یک شهروند رودباری، بلافاصله بازپرس ویژه قتل دادسرای عمومی و انقلاب رودبار جنوب در محل جنایت حاضر و دستور های لازم برای شناسایی و دستگیری عامل قتل صادر شد.

وی افزود: سرانجام با اقدامات پلیسی صورت گرفته از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی، محل اختفای قاتل در یکی از شهرستان های جنوبی کرمان شناسایی شد و متهم در یک عملیات غافلگیری انه به چنگال قانون افتاد که در این زمینه پرورنده ای در شعبه بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان رودبار جنوب تشکیل شده است.



مرگ در غفلت!

هنوز در شوک این حادثه درناک هستیم، باورم نمی شود به همین راحتی دخترم را از دست دادم.

آن قدر غرق در روزمرگی های زندگی و گرفتاری های ریزو درشت بودم که نفهمیدم فرزندم دچار افسردگی روحی و روانی شده است، شاید هم غفلت های من و همسرم مرگ تلخ او را این گونه رقم زد...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، این ها بخشی از اظهارات زن جوانی است که در مرگ ناگهانی دختر ۱۸ ساله اش سوگوار شده بود. او که برای انجام امور قضایی مربوط به پرونده فرزندش به مرکز انتظامی مراجعه کرده بود، درباره چگونگی وقوع این ماجرای تاسف بار به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری قاسم آباد مشهد گفت: دخترم در سال آخر دبیرستان تحصیلی می کرد و همواره با درس و مدرسه مشغول بود. در این میان من هم او را تنها می گذاشتم تا در آرامش درس بخواند ولی از نیازهای عاطفی و روحی او غفلت کردم تا جایی که دیگر فقط به خواسته های مادی او توجه می کردم. دخترم آرام آرام دچار افسردگی های روحی شده بود و من باز هم این موضوع را متوجه نشدم تا این که چندروز قبل من و همسرم تصمیم گرفتیم برای دیدار با خانواده شوهرم به یکی از روستاهای اطراف گلپایر برویم. این بود که دست دختر دیگرم را گرفته و با خودروی سواری خودمان راهی روستا شدیم ولی «لادن» باز هم به بهانه درس خواندن با ما نماند. او که گوشه گیر شده بود و مدام با خودش خلوت می کرد به هیچ وجه دوست نداشت در جمع خانوادگی یا فامیلی ظاهر شود. من و همسرم نیز تنها اهمیتی به این موضوع نمی دادیم بلکه فکر می کردیم که دخترمان این گونه راحت تر است و بهتر می تواند به امور تحصیلی خود بپردازد!

بالاخره وقتی در روستا از خودرو پیاده شدیم پاسی از شب گذشته بود که من با «لادن» تماس تلفنی گرفتم ولی او پاسخی به تماسم نداد! با وجود این من نگران نشدم چرا که احتمال می دادم دخترم به دلیل خستگی ناشی از درس خواندن زیاد به خواب رفته است. به همین دلیل از تماس های بعدی خودداری کردم تا او را بیدار نکنم! خلاصه آن شب را در خانه پدر شوهرم سپری کردیم و صبح روز بعد هنوز صبحانه پهن بود که دوباره به شماره تلفن دخترم زنگ زدم اما باز هم تماس هایم بی پاسخ می ماند. کم کم نگرانی و اضطراب وجودم را فرا گرفت و پشت سر هم کلید تماس را می فشرد ولی تماس هایم بی نتیجه می ماند. حالا دیگر از شدت نگرانی نمی توانستم رفتار هایم را کنترل کنم. به ناچار با خواهرم که در منطقه آزادشهر مشهد زندگی می کند، تماس گرفتم و از او خواستم به منزل ما برود و خبری از دخترم بگیرد. او هم وقتی سراسیمه خود را به واحد آپارتمانی محل سکونت مادرشашه بزرگراه رساند ما من تماس گرفت و از اوضاع مشکوک در محل سکونت مان سخن گفت که در منزلمان قفل است و بوی گاز شدیدی نیز در ساختمان مشامش را آزار می دهد!

با شنیدن این جملات، وحشت زده و هراسان سوار خودرو شدیم و به طرف مشهد به راه افتادم. هنگامی که به مجتمع مسکونی خودمان رسیدم خودروی امدادی اورژانس را دیدم و تصور کردم که دخترم احتمالا بیمار شده است اما خواهرم قبل از رسیدن من، قفل در منزلمان را شکسته و پیکر بی جان دخترم را کف اتاق دیده بود که تعدادی بسته خالی قرص در کنارش قرار داشت و شیر گاز شهری هم باز مانده بود! هنوز از خودرو پیاده نشده بودم که خودروی اورژانس حرکت کرد من با فاجعه تلخی روبه رو شدم که زندگی ام را نابود کرد. «لادن» به خاطر افسردگی شدید و بایک تصمیم احمقانه در تنهایی خود، دست به خودکشی زده و یادداشتی هم به جا گذاشته بود که کسی در مرگ او مقصر نیست! اما ای کاش... گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است بررسی ها و تحقیقات گسترده در این باره در حالی با هدایت و نظارت مستقیم سرهنگ احمد زمانی (رئیس کلانتری قاسم آباد مشهد) آغاز شد که قاضی ویژه قتل عمد نیز دستور های محرمانه ای را برای کنکاش های پلیسی درباره این ماجرای تلخ و تاسف بار صادر کرد.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

